

خاطراتی از سوخت رسانی در جنگ تحمیلی

جلد سوم - مدیران

سرشناسه: محمدی، کامران، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور: خاطراتی از سوخت‌رسانی در جنگ تحمیلی / پدیدآورندگان کامران محمدی، احسان حضرتی، مصطفی خلجی

مشخصات نشر: جام اندیشه: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، ۱۳۸۷ -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ج ۱: 978-600-5236-05-7؛ ج ۲: 978-600-5236-06-4؛ ج ۳: 978-600-5236-08-8

ج ۳: 978-600-5236-08-8

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: مولف جلد دوم محمد مطلق است

یادداشت: ج ۲ (چاپ اول ۱۳۸۸) (فیا)

یادداشت: ج ۳ (چاپ اول ۱۳۸۹) (فیا)

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

مندر: ج ۲ استان خوزستان، - ج ۳. مدیران

موضوع: شورای اسلامی شهر مشهد، مرکز پژوهش‌ها - کارکنان - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ خاطرات

شناسه افزوده: حضرتی، احسان، ۱۳۵۹

شناسه افزوده: خلجی، مصطفی، ۱۳۵۸

شناسه افزوده: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران

رده‌بندی کنگره: ۲۸۲/م۱۶۲۸ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۲۹۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴-۷۵۲۱



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

به سفارش روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران



انتشارات جام اندیشه

شورای نظارت

محمد ناصری - محمدمهدی لیاقت ورز - سید علی امامی - فریدون رضوی - منوچهر اکبرلو

عنوان کتاب: خاطراتی از سوخت‌رسانی در جنگ تحمیلی - جلد سوم - مدیران

نویسنده: محمد مطلق

طرح جلد: رضا امینی

صفحه‌آرایی: ایمان شاه‌سمندی

ویرایش و نمونه‌خوانی: الهه نیشابوری

امور فنی: کانون جام رسا

چاپ و صحافی: هنرباران

لیتوگرافی: نقره‌آبی

سال چاپ: بهار ۱۳۸۹

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

شابک: 978-600-5236-08-8

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران است



گروهک‌های شناسایی ام‌کرده بودند ۱۵
سید شمس‌الدین کسانیان

وقتی وارد نفت شدم باران سیاه بارید ۴۱
سیدعلی بهشتیان

جمله طلایی که تهران را اجنات داد ۶۳
سید حسن ضیاء کاشانی

نمایشگاهی از تکه‌های بمب در دفترم درست کرده بودم ۱۱۱
مهندس فیروز سهرابی

دستگاه شمار انداز پاینی را ارتقا دادم ۱۳۶
قوام‌شفعتی

امروز بیش از هر زمان دیگری باور دارم که خاطره‌ها می‌توانند چیزی فراتر از یک قاب عکس باشند! بگذارید مرادم را جور دیگری بیان کنم. شکی نیست که دیر یا زود، تصویر اینجانب نیز به مانند همه آنها که روزگاری بر کرسی مدیرعاملی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران تکیه زده‌اند، داخل قاب عکسی قرار می‌گیرد و روی دیوار نصب می‌شود. لیکن یادی که از انسان می‌ماند ارزشی فراتر از این‌ها دارد. همیشه گفته‌ایم و گفته‌اند که پیشکسوتان را باید تکریم کنیم و ضروری است که از زحماتشان ستایش شود. این اما چگونه ممکن است؟ چه کنیم که احساس رضایت را در آنها به وجود آوریم؟ من امروز گمان می‌کنم که پاسخ این سوال را با کمک همکارانم در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران یافته‌ایم. جلد‌های قبلی این کتاب، سرشار بود از گفتار و خاطرات کارکنانی که شاید رده‌سازمانی بالایی در صنعت نفت نداشتند اما

با خدمات خود مایه فخر این آب و خاک شدند. تصور نقش بستن لبخندی شیرین بر لبان این پیشکسوتان که حاصل یادآوری نوستالوژی سال‌های صفا و سادگی دهه نخست انقلاب است، به گمانم از زیباترین هدایایی بود که تاکنون گرفته بودند. اینک و در این جلد از کتاب ارزشمند پیش رو - به سبب تامین محتوای قوی آن که حاصل ممارست گردآورندگان و همکاری نزدیک کارکنان شرکت با ایشان است، صفت ارزشمند را برآورده می‌دانم - فاز راویان جنگ را تغییر داده‌ایم. در این کتاب، حکایت تاریخ شفاهی زنده آن روزگاران را کسانی برای خوانندگان نقل کرده‌اند که در آن روزها با مناصب مدیریتی تکیه زده بودند و حتماً هم توانسته بودند میان نفت و آتش رابطه‌ای بیابند که در آن نفت‌ها آتش نگیرند.

صنعت نفت، پیش از یک هزار شهید تحویل انقلاب شکوهمند اسلامی داده است و از این بین، «شهید تندگویان» نگین بی‌بیدل آن شده است. شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران اما علاوه بر آنها که در دو کتاب قبلی از آنها یاد کردیم، شهدای دیگر هم دارد که عمرشان البته به دنیا بوده است. تعدادی از شهدای زنده صنعت نفت را در «کرمانشاه» یافتیم و برخی دیگر را در «ایلام» و اگرچه همه آنها مصداق ریختن بحر در کوزه است اما تربیون را اینک از مناطق عملیاتی به ساختمان‌های ستادی آورده‌ایم.

به بیان دیگر، امروز روایت جنگ را همان کسانی نقل می‌کنند که تصویرشان را همواره از چند سال پیش که روی درب ورودی دفتر مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی نصب شده، دیده‌ام. این حرکت، بی‌تردید ادای دینی است به آنها که پیش از ما بوده‌اند و امید آن دارم که روند ارج‌نهادن به خاطرات پیشینیان و بهره‌گیری از تجارب آنان همیشه تداوم داشته باشد. این روحیه اگر در سطح کارکنان شرکت نیز تزریق شود، بی‌شک موفقیت‌های ثبت شده را خواهد افزود. البته یقین

دارم که الگو سرمشق نهادینه شدن این رفتار از مدیران آغاز می‌شود و همان گونه که می‌گویند «الناس، علی دین ملوکهم» نگاه کارکنان سطوح میانی و پائین تر، همواره به رفتار مدیران عالی رتبه است. لذا گمان می‌کنم که این کتاب اگرچه نقطه آغاز ارج نهادن به پیشکسوتان نیست و این مهم سال‌هاست که در صنعت نفت کشور رعایت می‌شود اما می‌تواند فصل نوینی را در ثبت سابقه و خاطره‌ای از پیشینیان بگشاید؛ شاید که آیندگان نیز همین مشی را در مورد ما پیش بگیرند.

فرید عامری

مدیر عامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران